

تهدیدهای ناشی از ضوابط محیط زیستی استقرار واحدها علیه مناطق محیط زیستی

استقرار تصفیه خانه های فاضلاب و مراکز مدیریت پسماند مشمول ضوابط محیط زیستی استقرار واحدهای خدماتی است. مطابق ضوابطی که تاکنون اعمال شده، واحدهای یاد شده نمی توانند در هیچکدام از مناطق چهارگانه محیط زیستی مستقر شوند. طبق آخرین ویرایشی نیز که بر اساس قانون هوای پاک صورت گرفته، این ممنوعیت همچنان وجود دارد. این در حالی است که در غالب مناطق چهارگانه ایران، مراکز سکونتگاهی متعدد با جمعیت قابل توجه وجود دارند. از طرف دیگر، ضوابط محیط زیستی اجازه می دهد که برخی از واحدهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی که پساب و پسماند نیز تولید می کنند، در گروهی از مناطق چهارگانه مستقر شوند. در نتیجه، با وجود تولید پساب و پسماند عادی و صنعتی در مناطق چهارگانه متعدد، امکان قانونی مدیریت محیط زیستی آنها سلب شده است. در عمل این پساب ها و پسماندها به صورت مدیریت نشده در مناطق چهارگانه تولید می شوند، در حالی که نیاز به مدیریت کارآمد آنها در این مناطق ضروری تر از مناطق دیگر است. به نظر می رسد بازنگری در ضوابط و ایجاد سازگاری بین مفاد آنها از یک سو و فراهم کردن زمینه ارتقا و توسعه فناوری های سازگار با محیط زیست برای مدیریت پساب و پسماند در مناطق چهارگانه، ضرورتی غیر قابل چشم پوشی است.

رضا رمضانی، دانشجوی دکتری بیوسیستماتیک جانوری، گروه زیست شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه فردوسی مشهد
ramezani.reza@mail.um.ac.ir

غزل منزوی، کارشناس ارشد مهندسی منابع طبیعی-محیط زیست، دانشگاه تربیت مدرس Ghazal.monzavi@gmail.com

کلیدواژه ها: ضوابط، محیط زیست، پساب، پسماند، مناطق چهارگانه

مقدمه:

مکانیابی مناسب و مبتنی بر موازین علمی برای انواع فعالیت های انسانی یکی از زیربنایی ترین راهکارهای شناخته شده در حوزه مدیریت محیط زیست برای تقلیل تبعات و حفاظت از تعادل های اکولوژیکی است. سیاست ملی محیط زیست و مقررات کنترل آلودگی آژانس های حفاظت از محیط زیست، تأثیر بالقوه قابل توجهی بر تعیین محل فعالیت های اقتصادی در ایالات متحده دارد. (Howard A. Stafford, 2010). در آمایش سرزمین نیز از منظر برنامه ریزی های کلان به این مقوله پرداخته می شود تا فعالیت ها متناسب با توان سرزمین به پهنه های سازگار هدایت شوند. مجموعه ای از روابط علی پیچیده بین کاربری اراضی و اقتصادهای منطقه ای قابل شناسایی شده است (Jae Hong Kim, 2010). با توجه به اینکه هر فعالیتی -حتی در صورت قرار گرفتن در پهنه ای توصیه شده از منظر آمایش سرزمین- می تواند آثار جنبی نیز داشته باشد، فعالیت هایی برای جبران و کنترل تبعات نامطلوب پیش بینی می شود. انجام این فعالیت جبرانی نیز نیازمند رعایت همان مبانی علمی لحاظ شده در مدیریت محیط زیست و از جمله مکانیابی است.

واحدهای خدماتی در زمره فعالیت هایی هستند که هم به صورت مستقل مورد برنامه ریزی قرار می گیرند، هم به صورت جنبی در کنار سایر فعالیت ها مطالبه می شوند. پسماندها موضوعی فراتر از یک معضل برای مهندسی بهداشت و مدیریت بهداشت عمومی

محسوب می شود (Joshua Reno.2015). مدیریت پسماند و پساب یکی از فعالیت های خدماتی است که برای تامین بهداشت و کاهش تبعات محیط زیستی انواع فعالیت های دیگر مانند صنعت، کشاورزی، دامداری، سکونتگاه های انسانی و حتی سایر واحدهای خدماتی (مراکز بهداشتی، آموزشی و ...) مورد مطالبه قرار می گیرند. برای پاسخگویی به نیازهای برنامه ریزی برای مدیریت آب و پساب، تکنیک های متعددی وجود دارد (Burkhard et al. 2000) اما تمام این تکنیک ها مستلزم مکانیابی صحیح و سازگار با ماهیت تکنیک و ویژگی های پساب و منطقه بکارگیری آن است. از همین رو، واحدها و مراکز خدماتی مدیریت پسماند و پساب نیز در فهرست واحدهای مشمول مکانیابی برای استقرار در محل مناسب قرار یافته اند.

مطابق قوانین محیط زیستی ایران و طی برنامه های مختلف و متوالی توسعه در چند دهه گذشته، واحدها و مراکز مدیریت پسماند و تصفیه خانه های پساب در رده هایی از ضوابط استقرار محیط زیستی قرار گرفته اند که رده های حساس محسوب می شوند. به طوری که طبق آخرین و معتبرترین مقررات تصویب شده، تصفیه خانه های فاضلاب و مراکز مدیریت پسماند در رده های ۳ الی ۵ واحدهای خدماتی قرار یافته اند. گفتنی است که بررسی امکان استقرار بخشی از واحدهای منطبق با این رده بندی، نیازمند تهیه و تدوین گزارش ارزیابی اثرات محیط زیستی و تصویب آن است. به نظر می رسد این دقت نظر درباره مدیریت پسماند و پساب درست و منطقی است. چرا که ریسک های مطرح در این زمینه جدی و متعدد بوده و باقیمانده های دفعی آنها می تواند آلودگی های پرعارضه ای را به وجود آورد. اما طبق بخش دیگری از مقررات قانون هوای پاک، استقرار واحدهای یاد شده در مناطق چهارگانه یا به کلی ممنوع است (مثل پارک های ملی) یا آنکه فقط واحدهای تا رده ۳ می توانند مستقر شوند (مثل مناطق حفاظت شده). به عبارت دیگر، عملاً نمی توان داخل مناطق چهارگانه محیط زیستی، برای مدیریت پسماند (جز پسماند روستایی) و تصفیه پساب مکانیابی کرد.

به ندرت می توان نمونه ای از مناطق چهارگانه محیط زیستی را یافت که داخل آن سکونتگاه های انسانی وجود نداشته باشند. گاهی تعدد و مقیاس جمعیتی سکونتگاه های انسانی داخل مناطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش به حدی است که نمی توان مقررات مربوط به تعیین یک پنجم از کل سطح منطقه به عنوان منطقه امن را اجرا کرد. با این وجود و طبق مقررات استقرار، نمی توان برای این مراکز جمعیتی تصفیه خانه فاضلاب را داخل مناطق یاد شده ایجاد کرد. برای مراکز مسکونی شهری نیز علاوه بر این محدودیت، تعیین محل مدیریت پسماند نیز منع می شود.

طبق بخش دیگری از مقررات استقرار، برخی از واحدها (تولیدی، خدماتی و ...) که در فهرست واحدهای رده های ۱، ۲ و ۳ گنجانده شده اند، امکان استقرار داخل مناطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش را دارند. این واحدها در بهترین حالت، پساب خانگی و پسماندهای عادی تولید خواهند کرد. اگر چه واحدهای بزرگتر ممکن است پساب یا پسماند صنعتی نیز تولید کنند. در صورت صدور مجوز استقرار چنین واحدهایی داخل مناطق یاد شده، این واحدها مکلف به مدیریت اصولی پسماندها و پساب تولیدی خود خواهند بود و این در حالی است که مدیریت پساب بدون احداث تصفیه خانه، در غالب موارد نمی تواند خروجی استاندارد داشته باشد. مدیریت پسماندهای صنعتی نیز در بهترین حالت با رساندن آنها به حد پسماندهای عادی و در مرحله بعد،

انتقال به محل های مجاز مدیریت پسماندهای شهری قابل اجراست. در هر صورت، این واحدها نیز به سبب ممنوع بودن استقرار واحدها و مراکز مدیریت پسماند شهری و پساب با تعارض و تناقض مقررات روبرو می شوند.

نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که در مدیریت جامع مناطق محیط زیستی، علاوه بر پیش بینی زون های گردشگری (متمرکز یا گسترده)، زون تاسیسات اداری و استقرار پاسگاه های یگان حفاظت (سرمحیط بانی و محیط بانی) نیز لحاظ می شود که ناگزیر از تولید پسماند و فاضلاب هستند. در چنین وضعیتی و با تناقض موجود بین مقررات، خود واحدهای اداری سازمان حفاظت محیط زیست نیز نمی توانند اقدامی استاندارد را برای مدیریت صحیح پسماندها و پساب های خود طراحی و اجرا کنند.

بحث و نتیجه گیری:

مرور و بررسی مقایسه ای ضوابط استقرار محیط زیستی فعلی و دوره های پیشین در چند دهه اخیر نشانگر آن است که ضوابط طراحی شده از منظر حوزه های زیرمجموعه معاونت محیط انسانی، با واقعیت های میدانی و اصول مدیریت مناطق چهارگانه همخوانی مطلوبی نداشته و در مصداق مدیریت پسماند و تصفیه پساب با تعارض و تناقض ریشه ای مواجه است. منع قانونی استقرار این نوع از واحدهای خدماتی در مناطق چهارگانه ناقض مبانی نظری و اصول مدیریت محیط زیست است. در شرایطی که مراکز سکونتگاهی واقع در مناطق چهارگانه که گاهی مراکز شهری را نیز شامل می شود نتوانند مراکز مجاز و ضابطه مند را برای مدیریت پسماند و استاندارد کردن کیفیت پساب خروجی ایجاد کنند، این منابع آلاینده با حداکثر بی نظمی، بدون نظارت و در بدترین شرایط خود وارد محیطی خواهند شد که به طور اختصاصی به عنوان عرصه های دارای برنامه مدیریت محیط زیستی شناخته و مصوب شده اند.

از سوی دیگر، در شرایطی که واحدهای اداری و یگان حفاظت محیط زیست به سبب منع قانونی اعمال شده توسط خود این ارگان، نتواند ابتدایی ترین استاندارد مورد مطالبه و نظارت خود را اجرا کند و پساب تولیدی در این واحدها را به چاه جاذب یا حداکثر به سپتیک تانک هدایت کند، نخواهد توانست رابطه ای ایجابی و اثربخش با مراکز سکونتگاهی و واحدهای فعال کشاورزی، خدماتی و ... مستقر در مناطق برقرار کند و شکست پذیری سیاست های مدیریت محیط زیستی در این مناطق حداکثری خواهد شد.

اما باید دقت شود که راه برون رفت از این تناقض، اعمال تغییر در مقررات به نحوی نیست که محدودیت استقرار واحدها در مناطق چهارگانه را لغو یا استثنایی برای استقرار مراکز مدیریت پسماند و ایجاد تصفیه خانه پساب در مناطق چهارگانه قائل شود. پیشنهاد مشخصی که می توان طرح کرد، تدوین نظامنامه ای ویژه برای مدیریت پسماند و تصفیه پساب در مناطق چهارگانه به نحوی است که حداقل:

۱- بتواند با کمترین پراکندگی و تعدد مراکز، مدیریت پسماند و استانداردسازی پساب را ممکن کند.

۲- مراکز مدیریت پسماند و تصفیه خانه پساب با تکنیک های مدرن و کمترین ریسک به طور اختصاصی برای مناطق چهارگانه طراحی شده و در برنامه های جامع مدیریتی این مناطق گنجانده شود.

۳- به هیچ عنوان، مراکز مدیریت پسماند و تصفیه پساب در مناطق چهارگانه، پذیرنده پسماندها و پساب های خارج از مناطق نباشند.

۴- مکانیابی برای مدیریت پسماند و تصفیه پساب مناطق چهارگانه، به صورت مستقل و با امتیازدهی های سلسله مراتبی و با اولویت دهی به محدوده خارج مناطق صورت پذیرد.

۵- ترتیبی اتخاذ شود که تامین و تدارک مراکز مدیریت پسماند و تصفیه خانه پساب در مناطق چهارگانه صرفاً برای جمعیت و مراکز مستقر موجود صورت گرفته و مشوقی برای افزایش بارگذاری جمعیتی و فعالیت های انسان ساخت نباشد.

منابع و مآخذ:

- Howard A. Stafford. Environmental Protection and Industrial Location. 2010. Annals of the Association of American Geographers.
- Jae Hong Kim. Linking Land Use Planning and Regulation to Economic Development: A Literature Review. 2010. Journal of Planning Literature
- Joshua Reno. Waste and Waste Management. 2015. Annual Review of Anthropology
- Roland Burkhard. Ana Deletic. Anthony Craig. Techniques for water and wastewater management: a review of techniques and their integration in planning. 2000. Urban Water